

ارزیابی جایگاه حقوقی زن در کنوانسیون‌های بین‌المللی بر اساس تفسیر تسنیم

(تاریخ دریافت: ۹۸/۰۶/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۹/۲۰)

خدیجه احمدی بیغش^۱

چکیده

بدون تردید تفاوت‌های تکوینی حکیمانه‌ای میان زن و مرد وجود دارد؛ ولی در دهه‌های اخیر موضوع تشابه زن و مرد مورد اتمام استنادی مراکز و معاهداتی همچون "کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان" و "سند ۲۰۳۰" قرار گرفته که مبنای اصلی آنها، ایجاد نوعی تشابه کامل جنسیتی میان زن و مرد است و الزاماتی را فراروی دولت‌ها و ملت‌ها قرار داده‌اند.

اسلام با در نظر گرفتن منزلت والای زن، همه حقوق‌های زن را محترم شمرده است. اما در عین حال بین حقوق زن و مرد، نوعی تعادل - که متناسب با شأن و فطرت هر یک از آن دو است - وجود دارد. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای و میدانی، در صدد ارزیابی مواد حاکم بر این معاهدات و اسناد بین‌المللی، بر اساس آیات قرآن، با استناد به تفسیر تسنیم است. تفسیر تسنیم با استناد به آیات قرآن، حقوقی همچون: حق تکوینی، تشریحی، ارزشی و ... را برای زن به عنوان حقوق مسلم به رسمیت شناخته است. در حالی که این معاهدات بین‌المللی بیشتر بر یک بُعد از وجود زن، آن هم بُعد ظاهری و جنسیتی او تأکید دارد و قوانین آن با نیازهای طبیعی زن، دچار تعارض و تضاد است که ظلمی مضاعف به زنان و حتی مردان را در پی دارد.

کلید واژه‌ها: اسناد بین‌المللی، حقوق زن، معاهده رفع تبعیض علیه زنان، سند ۲۰۳۰، تفسیر تسنیم.

مقدمه

قرآن، درباره آفرینش انسان، شخصیت وجودی، کردار و رفتار وی بحث کرده، و هرگز زن و مرد را از یکدیگر جدا ندانسته و آنان را از یک منشأ، و از یک حقیقت می‌داند. برای هر کدام در عین تفاوت‌های فیزیکی و روحی، شخصیت مستقل و جایگاه ارزشمند در نظر گرفته است. قرآن جهت بازیابی جایگاه حقوقی زنان در جامعه بشری؛ در دو حوزه اصلی، سخن گفته است. اول: در نحوه تکوین وجودی زن اقدام به اصلاح انحرافات دیدگاه بشر کرد. دوم: برای تحصیل حقوق و تکالیف زن در بسیاری از عرصه‌ها و اعطای شخصیت حقوقی به او، دستوراتی را بیان نموده است. همچنین با بررسی مسایل زنان و داورى درست درباره حقوق، تکالیف و مسئولیت‌های فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آنان، خانواده را به عنوان یک نهاد اساسی در جامعه پذیرفته و بر تکمیل‌کنندگی نقش زن و مرد در اجتماع، نیازها و حقوق متقابل آنها، را مورد تأکید قرار داده است. از طرف دیگر از دیدگاه اسناد بین‌المللی، خانواده را به عنوان عامل دست‌وپاگیر برای زنان و عدم تساوی او با مردان شناخته، و بر تساوی جنسیتی و شغلی و اجتماعی زنان با مردان تأکید دارند. بگونه‌ای که زن هویت تکوینی زنانه و مادرانه خود را از دست داده، و به مردی تبدیل شده که حقوقی برای زن بودنش قائل نمی

۱ - استاد مجتمع آموزش علوم اسلامی کوثر، (نویسنده مسؤل). kh.ahmadi3103@yahoo.com

شوند. اسلام با ایجاد زمینه‌های متعددی، زنان را مالک اموالی دانسته و اموری نظیر ارث، مهریه، نفقه، اجرت شیردهی، اجرت خدمت در خانه و... برای زنان قرار داده است. همچنین اسلام از اشتغال زن جلوگیری نمی‌کند و زنان با حفظ شروطی که در دین مقرر شده، می‌توانند شخصاً برای خود درآمدزایی کنند، بدون آنکه از نظر قواعد دینی ملزم به اداره خانواده و انفاق بر آنها باشند. در حالیکه در معاهدات بین‌المللی به اسم تساوی حقوق زن و مرد، شخصیت و تفاوت‌های تکوینی، جسمانی، و... زن لحاظ نشده و فقط یک بُعد از وجود زن آن هم بُعد جنسیتی و شغلی او در نظر گرفته شده است. این پژوهش درصدد بررسی تطبیقی حقوق متعدد زنان در حوزه‌های تکوین و تشریح، و اسناد جهانی حقوق زنان، خصوصاً معاهده رفع تبعیض علیه زنان و سند ۲۰۳۰، با آیات قرآن و بر اساس رویکرد تفسیر تسنیم است. بر این اساس مواد معاهده و سند ۲۰۳۰ را در ابتدا مورد مطالعه قرار داده و در ادامه به بیان دیدگاه‌های قرآن از منظر تفسیر تسنیم پرداخته و به بررسی تطبیقی آنها می‌پردازیم.

۱- رویکرد اسناد بین‌المللی در مورد حقوق زنان

سازمان‌های بین‌المللی، در دهه‌های اخیر توجه فراوان به مسأله زنان داشته‌اند، و جنبش‌های متعددی به نام زنان، و برای زنان، در گوشه و کنار جهان فعال شدند، که اندیشمندان و نهادهای بین‌المللی را نیز در جهت حمایت و بازسازی موقعیت زنان، در زندگی اجتماعی برانگیخته‌اند. محصول این عطف توجه، اسناد و تعهدات بین‌المللی در باب زنان است که الزاماتی را فراروی دولتها و ملتها قرار می‌دهد. از مهمترین این اسناد بین‌المللی "کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان" (مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹- ۲۷ آذرماه ۱۳۵۸- در مجمع عمومی سازمان ملل متحد) و "سند ۲۰۳۰" (مصوب ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۵- شهریور ۱۳۹۴- در مجمع عمومی سازمان ملل متحد) است که ارزیابی و بازناندیشی آنها اهمیت بنیادی و راهبردی داشته و رسالتی را فراروی افراد و نهادها قرار می‌دهد.^۱ از نظر این کنوانسیون‌ها، عبارت: «تبعیض علیه زنان»، به معنی قائل شدن هرگونه تمایز، استثناء یا محدودیت براساس جنسیت است که با حقوق بشر زنان و آزادی‌های اساسی آنها، و بر پایه حقوق مساوی با مردان، در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و... اثرگذار بوده است. در ادامه، به برخی از دیدگاه‌های این معاهدات و اسناد، در باب نگرش به زن و جایگاه حقوقی او، اشاره می‌کنیم.

۲- حقوق تکوینی زنان

حقوق تکوینی زنان را در معاهدات بین‌المللی و دیدگاه قرآن، با استناد به تفسیر تسنیم مورد بررسی و مقایسه قرار می‌دهیم:

۱. از دیگر اسناد بین‌المللی، که در آنها از حقوق زنان سخن رفته است، عبارتند از: اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ برابر با (۱۳۲۷/۹/۱۹ شمسی)، اعلامیه "حذف خشونت علیه زنان" قطعنامه ۱۰۴/۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوبه ۲۳ فوریه ۱۹۹۴ و ...

۲-۱- حقوق تکوینی زن در کنوانسیون‌های بین‌المللی

مبانی حاکم بر این معاهدات بین‌المللی از جمله بندهای ۴ و ۵ سند آموزش ۲۰۳۰، و بندهای مختلف مواد ۱، ۳، ۴، ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۱۷ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، عبارتند از: «دستیابی به تساوی جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران» که به بعد جنسیتی و شغلی زنان توجه شده و قائل به تساوی و برابری جنسیتی هستند، به گونه‌ای که به شخصیت انسانی او توجهی نشده است. از جمله در ماده ۵ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان آمده است: «تغییر الگوهای رفتاری اجتماعی و فرهنگی مردان و زنان به منظور دستیابی به برانداختن تعصبات، عادات و دیگر روش‌های عملی که بر طرز تفکر پست‌نگری یا برتربینی یک جنس نسبت به جنس دیگر یا نقش کلیشه‌ای زنان و مردان مبتنی است.» بر اساس مفاد آموزشی سازمان ملل، از جمله هدف ۴ در بندهای ۱-۴، ۲-۴، ۳-۴ و هدف ۴-۵ سند آموزش ۲۰۳۰، که بیان می‌دارد: «تضمین آموزش با کیفیت برابر و فراگیر و ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه، به صورت یکسان» باید مفاهیمی چون برابری زنان و مردان در آموزش‌های جنسیتی، در کتب درسی رسمی و غیر رسمی مدارس و دانشگاه‌ها، و ...، به کودکان و نوجوانان آموزش داده شوند و مطابق بند ۴-۷ سند آموزش ۲۰۳۰، کشورهای مجری، موظف به ارائه گزارشی از اطلاعات سالانه از میزان خشونت و تجاوز در مدارس، میزان آموزش مهارت‌هایی پیرامون آیدز و ...، در مورد عملکرد خود براساس این شاخص‌ها به سازمان ملل خواهند بود.

۲-۲- حقوق تکوینی زن در تفسیر تسنیم

آفرینش انسان، شخصیت وجودی، کردار و رفتار او در دین اسلام و آیات قرآن بحث شده است و هرگز زن و مرد را از یکدیگر جدا ندانسته و آنان را از یک منشأ، از یک جنس و از یک وجود تلقی کرده و برای هرکدام در عین تفاوت‌های فیزیکی و روحی، شخصیت و حقوق مستقل و جایگاه ارزشمند در نظر گرفته است. قرآن، تصورات غلطی که در اذهان مردم نسبت به زنان و خلقت آنها وجود داشت، مورد نکوهش قرار داده و آنها را اصلاح نمود است. (فاروقی، ۱۴۰۴، ص ۳۳۴) به عنوان نمونه می‌فرماید: «... أَلَدَى خَلَقَكُم مِّنْ نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً» (نساء، ۱) و آیه «هُوَ أَلَدَى خَلَقَكُم مِّنْ نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ...» (اعراف، ۱۸۹) مفسرین شیعه و اهل سنت، در خصوص دو آیه فوق بیان کرده‌اند خداوند شما را از یک اصل واحد یعنی حضرت آدم و حوا(ع) آفریده؛ پس دیگر فخر و تکبر نکرده و اظهار تواضع نسبت به یکدیگر نداشته باشند. (الرازی، ۲۰۰۱، ج ۳، ص ۴۷۷-الزمخشری، ۱۹۹۸، ج ۱، ص ۴۶۱) پس هیچ تفاوتی میان زن و مرد در آفرینش وجود ندارد، و اعتقاد نداشتن به تکامل در زن از حیث خلقت، منجر به انحطاط موقعیت زن از جهت اجتماعی خواهد شد. (طباطبایی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۳۵) قرآن اقدام به اعطای شخصیت کامل و مطلق وجودی و تکوینی به زنان نموده (فیض، ۱۳۷۱، ص ۱؛ صفایی، ۱۳۸۶، ص ۶) و بیان می‌دارد زن و مرد بگونه‌ای کنار یکدیگر آفریده شده‌اند که جنبه تکاملی نسبت به هم دارند و با این نگرش به مقابله با تفکری که مرد را در مرحله آفرینش و خلقت بالاتر از زن میدانند، رفته است. در تفسیر تسنیم، ذیل آیه اسوره نساء، به حقیقت مادی و خلقت برابر زن و مرد اشاره شده و در مورد شخصیت تکوینی زن آمده است: «همه انسانها یک حقیقت دارند، هیچ فضیلتی زن بر مرد، یا مرد بر زن ندارد. مگر

اینکه خودش از راه تقوا، فضیلتی را کسب کند. انسان‌ها با هم فرقی ندارند، فرمود «مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» پس هم راه استکبار و فخر بسته، هم درهای عاطفه باز است.» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۷، ص ۱۲۷) آیت الله جوادی آملی همچنین می‌فرماید: «تمام انسانهای فعلی یک حقیقت خاص دارند که همسران آنان نیز از همان حقیقت نوعی خاص و واحد آفریده شده‌اند.» (همان، ۱۳۹۳، ج ۳۱، ص ۲۰۹) ایشان دارا بودن از شخصیت تکوینی را، مشترک میان زن و مرد دانسته‌اند.

۳- حقوق خانوادگی زنان

اینک به بررسی حقوق خانوادگی زنان در معاهدات بین‌المللی و مقایسه آن با تفسیر تسنیم می‌پردازیم:

۳-۱- حقوق خانوادگی زنان در معاهدات بین‌المللی

به عنوان نمونه در تمامی مفاد ماده ۱۶ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان به اموری از این قبیل اشاره دارد: «حق یکسان برای ورود به ازدواج، حق یکسان در انتخاب آزادانه همسر و صورت گرفتن ازدواج تنها با رضایت کامل و آزادانه دو طرف ازدواج، حقوق و مسئولیت‌های یکسان در طی دوران زناشویی و به هنگام جدایی، حقوق و مسئولیت یکسان به عنوان والدین، صرف نظر از وضع روابط زناشویی، در مسائلی که به فرزندان آنان مربوط می‌شود، حقوق و مسئولیت‌های یکسان در مورد قیمومیت، حضانت، سرپرستی و به فرزند گرفتن کودکان و ...» از دول عضو خواسته شده به منظور دفاع از حقوق زنان و رفع تبعیض علیه آنان، در امور مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی، کلیه اقدامات مقتضی را، بر اساس تساوی زن و مرد به عمل آورند. در این اسناد، زنان از مقام مادری و همسری، به یک شریک جنسی صرف تنزل یافته و ازدواج و خانواده، کارکردهای عمیق خود را از دست داده، و طلاق از یک پدیده مذموم تبدیل به یک راهکار انسانی شده است. بالا بردن سن ازدواج و محکوم کردن ازدواج قانونی زیر ۱۸ سال، که این کنوانسیون‌ها مطرح می‌کند، آن هم در شرایطی که تشویق به برقراری ارتباط جنسی در زیر این سن امری رایج در کشورهای غربی است، امری عادی و غیر معقول است. در این اسناد تناقض گویی آشکار نیز وجود دارد؛ زیرا از یک سو شاهدیم تلاش می‌شود راهکارهای ترویج روابط جنسی آزاد نوجوانان و جوانان را ایمن و آزاد سازند، و از سوی دیگر از ممنوعیت ازدواج و عدم توانایی افراد زیر ۱۸ سال برای برقراری روابط خانوادگی سخن به میان می‌آورند! همچنین وقتی این اسناد و کنوانسیون‌ها، از نقش والدین در مراقبت از کودک نام می‌برند، مثلاً بند پنجم سند ۲۰۳۰ و بند یک کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان که بیان می‌دارد: «کنوانسیون به هر گونه تمایز، استثنا یا محدودیت بر اساس جنسیت که نتیجه آن خدشه‌دار کردن یا بهره‌مندی یا آزادی‌های اساسی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و یا هر زمینه دیگر توسط زنان، صرف نظر از وضعیت زناشویی ایشان و بر اساس تساوی میان زنان و مردان، اطلاق می‌گردد»، مقصود والدین دارای فرزند خارج از چارچوب ازدواج، مانند والدین همجنسی که کودکی را به فرزندگی تقبل کرده‌اند، و یا والدین صاحب فرزند از روابط نامشروع، و ... نیز هست که باید از جایگاه و حقوق مساوی با والدینی که بر اثر ازدواج دارای فرزند شده‌اند برخوردار باشند. در موضوع طلاق و حق طلاق، در ماده ۱۶ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان آمده است: «هر یک از طرفین در صورت

تمایل بتوانند به محاکم مراجعه و در شرایط کاملاً برابر، درخواست طلاق نمایند.» همچنین در بند ج ماده ۱۶ این کنوانسیون بیان می‌شود که: «به منظور ایجاد تساوی و برابری جنسیتی، باید حقوق و مسئولیت‌های یکسانی در دوران ازدواج و هنگام انحلال آن برای هر یک از زن و مرد وجود داشته باشد.»

۳-۲- حقوق خانوادگی زنان در تفسیر تسنیم

از دیدگاه قرآن، زن در خانواده حقوق مختلفی دارد. از جمله:

۳-۲-۱- حقوق زن بر شوهر

از منظر قرآن، همان‌طور که شوهران بر عهده زنان حقوقی دارند و بر زنان لازم است آن را انجام بدهند، متقابلاً زنان نیز بر عهده شوهران حقوقی دارند که بر مردان لازم است آن را ایتیان بکنند. قرآن در این مورد می‌فرماید: «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره، ۲۲۸) در توضیح این آیه در تفسیر تسنیم آمده است: هر حقی که خدای سبحان برای مرد علیه زن قرار داد، مشابه آن برای زن علیه مرد نیز وجود دارد. حقوق زن و مرد حقوق متقابل است. این چنین نیست که حقی بر زن باشد که بر مرد نباشد، منظور از این مماثلت، اصل حق است، تماثل در حقوق است نه تساوی در حقوق. برای برقراری نظم اصول خانواده، تعبیر قرآن کریم برای زن و شوهر "مُودَّةٌ وَرَحْمَةٌ" است و دو اصل را عامل تشکیل خانواده قرار داد. یکی مودت عاقلانه نسبت به هم و دیگری گذشت عاطفی از اشتباهات یکدیگر. به مردان که مسئول خانواده‌اند دستور می‌دهد که با زنان به نیکی رفتار کنید. این همان توصیه به معروف است: "عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ". (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱۱، ص ۲۸۷) از جمله حقوق زن بر عهده شوهر، با توجه به آیات قرآن کریم عبارتند از:

الف) حق رفتار شایسته: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ... وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء، ۱۹) تفسیر تسنیم در ذیل این آیه بیان می‌دارد: همانگونه که با مرد باید به معروف رفتار کرد، با زن هم باید به معروف رفتار کرد. کارها را ذات اقدس الهی تقسیم کرده. هیچ فرقی بین زنان و مردان نیست در حق حیات و حق حیات اجتماعی زن تفاوتی با مرد ندارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۹، ص ۳۴۱)

ب) حق مسکن: «أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ» (طلاق، ۶) در تفسیر این آیه آمده است: زنان مطلقه را در همان خانه‌هایی که به اندازه وسع خود تهیه کرده‌اید مسکن دهید. حق ندارید ضرری متوجه آنها کنید، تا سکونت در آنجا برایشان دشوار شود، و نباید از نظر مسکن، پوشاک و نفقه، آنها را در مضیقه قرار دهید. (طباطبایی، ۱۳۹۲، ج ۱۹، ص ۵۲۲)

ج) حق نفقه: تفسیر تسنیم این حق را در ذیل آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (نساء، ۳۴) اینگونه بیان می‌دارد: زمام خانواده را قرآن کریم به دست مرد می‌دهد. تفاوت زن و مرد در مسائل

اجرایی و در تقسیم کار است که بدن نقش دارد. در کارهای اجرایی مسئولیت با مرد است چون مال دست اوست تأمین نفقه و روزی با اوست. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۹، ص ۲۹۱)

د) حق مهر: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً» (نساء، ۴) کلمه "نِحْلَةً"، از "نَحْل" به معنای زنبور عسل، که به مردم عسل می‌بخشد و توقعی هم ندارد، به هدیه هم «نِحْلَةً» گفته می‌شود. بعضی مفسرین "نِحْلَةً" را به معنای "دین" گرفته‌اند. یعنی مهریه، دین و بدهی قطعی مرد است. (اطیب، ۱۳۴۱، ج ۵، ص ۱۵۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۶۳؛ الجزیری، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۵۱۶-۵۱۷) اما تفسیر تسنیم مهریه را نشانه صداقت طرفین دانسته و اشاره می‌کند: آنچه را که به عنوان مهریه برای زنان مقرر کردید؛ آن را تصاحب نکنید به اینها بدهید. چون مهریه مایه تصدیق نکاح، و مایه صداقت طرفین است. شما شوهرها، صدق‌های همسرها را به آنها بپردازید و این مایه صداقت زندگی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۷، ص ۳۶۷)

۳-۲-۲- حقوق زن بر عهده فرزند

همانطور که پدر و مادر نسبت به فرزندان وظایفی دارند، متقابلاً حقوقی نیز بر عهده فرزندان دارند؛ ضمن آنکه مادر دارای تقدم حق نسبت به پدر، بر فرزند است. باتوجه به آیات قرآن برخی از این حقوق عبارتند از:

الف) حق احسان: خداوند در آیات متعددی، کنار دعوت به یکتاپرستی و نهی از پرستش غیر، نیکی به پدر و مادر را بیان داشته و به آن فرمان می‌دهد. مانند آیات: «وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (نساء، ۳۶) پدر و مادر چون سبب نهایی برای وجود و تربیت انسانند، در ابتدای مراتب احسان ذکر شده‌اند. (طباطبایی، ۱۳۹۲، ج ۵، ص ۱۷۱) اگر احسان با "باء" استعمال شد، آن مراقبت و تداوم احسان را می‌فهماند. اگر با "الی" استعمال شد، تداوم را نمی‌فهماند. (فیومی، ۱۴۰۵، ص ۱۳۶-ابن منظور، ۱۳۸۵، ج ۱۳، ص ۱۷- جوهری، ۱۳۶۸، ج ۵، ص ۲۰۹۹) علی (ع) می‌فرماید: «فرزند بر والد حق دارد، و والد بر فرزند حقی. حق والد بر ولد این است که در همه شؤون مطیع او باشد، مگر به مرز معصیت خدا برسد ... (نهج البلاغه، ص ۳۹۹) در تفسیر تسنیم در ذیل این آیه آمده است: «اهمیت احسان نسبت به پدر و مادر به قدری است که در کنار عبادت حق یاد شده. نسبت به آنها مؤدب بودن، متواضع بودن، احترامشان را حفظ کردن و بطور کلی احسان محض نسبت به آنان داشتن، از مصادیق است. احسان به پدر و مادر، (چه غنی چه فقیر، چه مسلمان چه کافر باشند) لازم است. خداوند می‌فرماید: ما به انسان گفتیم به پدر و مادر احسان کن! حالا اگر پدر و مادر اصرار داشتند که این جوان مسلمان، دست از عقیدتش بردارد و به همان خوی جاهلیت برگردد، اینجا دیگر اطاعت پدر و مادر لازم نیست. اما با این همه فرمود: شما در دنیا با اینها خوش رفتاری کنید. احسان، یک مفهوم وسیع و دامنه‌دار است به معنای خدمت بی سابقه. و هر کار نیک و شایسته‌ای که برای کسی انجام گیرد و منفعت مادی و یا معنوی داشته باشد احسان شمرده می‌شود. پس انفاق و رسیدگی به امور مادی و معیشتی پدر و مادر احسان به آنها است. خداوند می‌فرماید: «يَسْأَلُونَكَ مَاذَا

يُنْفِقُونَ قُلُوبًا مَّا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ...» (بقره، ۲۱۵) قبل از هر چیز، به اصول خانوادگی تان بپردازید به پدر و مادر که «فَلِلْوَالِدَيْنِ» این هم صلّه رحم است هم برّ به والدین است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص ۲۸۰)

ب) حق احترام: قرآن احترام والدین را خصوصاً در دوران پیری و شکستگی آنان واجب و لازم دانسته و از کلام درشت و برخورد ناشایسته با آنان نهی نموده است: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» (اسراء، ۲۳) در تفسیر تسنیم آمده است: خداوند در بیان وظایف متقابل والدین نسبت به فرزند، به پدر و مادر دستورِ مهربانی نداده، چون امر طبیعی در نهاد آنهاست. اما نه تنها فرزند را از بی مهری نهی نکرده بلکه مهربانی را امر هم کرده، مستقل هم نهی کرده که: «فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» یا «وَاحْفَظْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ» (اسراء، ۲۴)، در این آیه فرزندان را هم نهی کرده از بی مهری، و هم امر کرده به خفض جناح. ذات اقدس الهی به فرزندان دستور می‌دهد که نه تنها نسبت به پدر و مادر بدرفتار نباشید بلکه احسان کنید نه تنها عقوقشان حرام است، بلکه احسان و مصاحبتشان واجب است. تا اساس خانواده متلاشی نشود، پس منفعت مستقیمش به تحکیم خانواده بر می‌گردد. همچنین ایشان درباره مقام والای «مادر» نیز می‌فرماید: قرآن کریم وقتی احترام به پدر و مادر را بازگو می‌کند، برای گرامی داشت مقام زن، نام مادر را جداگانه و بالاستقلال طرح می‌کند و می‌فرماید: «اگر یکی از آن دو یا هر دو، در کنار تو به سالخوردگی رسیدند به آنها حتی «اف» مگو و به آنها پرخاش مکن و با آنها سخنی شایسته بگوی. انسان احترامی که به پدر و مادر می‌گذارد بر محور تربیت است، برای این است که اینها مربینند. این احترام به پدر و مادر در نیایش‌ها، طلب مغفرت، دعا، نماز شب و ...، این سیره انبیا بود. پدر و مادر اگر هم مشرک باشند احترام به آنها لازم است. از برجسته ترین سخنان حضرت عیسی (ع) این است که من نسبت به مادرم برّم، نیک رفتارم. «وَبِرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا» (مریم، ۳۲) (سایت اسراء، ذیل تفسیر سوره اسراء) در ادامه تفسیر این آیه آیت الله جوادی آملی می‌فرماید: خداوند به برخورد شایسته و گفتار کریمانه با والدین امر کرده و دستور داده و می‌فرماید: مبدا به فکر خانه سالمندان باشید «عندک» اگر یکی از اینها نزد تو بود و پیر شد، نه اینکه در خانه سالمندان گذاشتی و پیر شد، وقتی که متأسفانه جامعه از غرب الگو پذیرفت این بچه‌ها را تا هفت سال به مهد کودک سپرد خودش هم که پیر شد همین بچه او را به خانه سالمندان می‌برد. آنها مجرای فیض خالقیت هستند. خانواده در اسلام اصل است نه اینکه یک مسئله فردی و اجتماعی است. (سایت اسراء، ذیل تفسیر سوره مریم)

ج) حق دعا و طلب آمرزش: یکی دیگر از حقوق والدین دعا است؛ چنانکه مستحب است در حق ایشان این دعای قرآنی خوانده شود: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَوَالِدِيَّ، وَارْحَمَهُمَا كَمَا رَبَّبْتَنِي صَغِيرًا، وَاجْزِهِمَا بِالْإِحْسَانِ إِحْسَانًا، وَبِالسَّيِّئَاتِ غُفْرَانًا» (دعای ابوحمزه ثمالی) آیت الله جوادی آملی در تفسیر آیه ۲۴ سوره اسراء، و با اشاره به فراز: «وَقُلْ رَبِّ ارْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّبْتَنِي صَغِيرًا» دعای ابوحمزه ثمالی، می‌فرماید: «لفظ «رَبَّبْتَنِي» به معنای رشد دادند مرا آمده است نه لفظ «ولدانی» بمعنای به دنیا آوردند مرا. پدر و مادر باید به تربیت فرزند توجه داشته باشند. هر قدر فرزندان را خوب تربیت کنند همان اندازه

نسبت به فرزندشان حق دارند.» ایشان همچنین در تفسیر آیه ۴۱ سوره ابراهیم: «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ» می‌فرمایند: دعا در حق پدر و مادر اختصاص به زمان حیات آنان ندارد و پس از درگذشت آنها نیز، می‌توان برایشان طلب مغفرت و آمرزش کرد. (سایت اسراء، ذیل تفسیر سوره اسراء و ابراهیم)

۴- حقوق اجتماعی زنان

از دیدگاه معاهدات بین‌المللی و قرآن کریم، با محوریت تفسیر تسنیم، حقوق اجتماعی بانوان عبارتند از:

۴-۱- حقوق اجتماعی زن در معاهدات بین‌المللی

آنچه این اسناد به دنبال آن هستند آنکه اشتغال زنان، مهمترین و بلکه تنهاترین راه حل فقر زنان و کم کردن وابستگی آنان به مردان و خانواده به حساب می‌آید. متأسفانه روابط و مناسبات اجتماعی فعلی آنچنان در عرف جوامع اثرگذار بوده‌اند که نه تنها زنان، بلکه مردان نیز اشتغال را برای زنان یک وظیفه به حساب می‌آورند. البته در دنیای غرب و تفکرات زن‌مدارانه این مسئله با قربانی کردن عواطف و کم کردن سطح روابط فرزندان با مادران حل شده و نام آن را تقسیم مسئولیت مادری گذاشته‌اند. (حسینی، ۱۳۸۷، ص ۵۶۹-۵۸۵)، علی‌رغم تاکید اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی بر تساوی حقوق زن و مرد و فعالیت‌های بیرون از خانواده زنان، و عدم توجه به اصول و ضوابط اصلی این حضور ضابطه‌مند، باعث شده زنان در بیماری‌های قلبی، جرایم، دخانیات، الکلیسم هم فاصله خود را با مردان کم کرده و در این سطح هم به مساوات برسند. (گرهاردنسکی، ۱۳۶۹، ص ۴۷۹-۴۹۰؛ پاملا، ۱۳۸۱، ص ۲۱۰-۲۱۷) باتوجه به آنکه خاستگاه این اسناد، فرهنگی است، حجاب، عفاف و پوشش، را تبعیضی بر اساس جنسیت دانسته‌اند که مانع از جلوه‌فروشی زنان می‌شود، و آزادی فردی و اجتماعی آنان را محدود و از ارضای آزاد تمایلات انسانی آنها جلوگیری می‌کند. مثلاً تعارض ماده یک کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان و بندهای مختلف هدف ۴ و ۵ سند ۲۰۳۰ که آمده است: «برابر و فراگیر و ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه، و دستیابی به تساوی جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران» با حکم اسلامی پوشش، کاملاً واضح است.

۴-۲- حقوق اجتماعی زن در تفسیر تسنیم

قرآن کریم بیعت با حکومت و شرکت در انتخابات را که بارزترین حق سیاسی است برای زنان پذیرفته است. عرصه‌های مختلف تاریخ اسلام نمایانگر این عمل سیاسی از طرف زنان است. خداوند در سوره ممتحنه آیه ۱۲ می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ...» از امام صادق (ع) روایت شده: «چون پیغمبر مکه را فتح کرد با مردان بیعت کردند و آنگاه زن‌ها برای بیعت آمدند و خدا این آیه را فرستاد که: ای پیغمبر چون زن‌ها آمدند با تو بیعت کنند با آنها بیعت کن...» (کلینی، ۱۳۶۱، ج ۵، ص ۵۲۷) آیه الله جوادی آملی در بیان حق اجتماعی و سیاسی زنان می‌فرماید: کارهای اجرایی اجتماعی سیاسی، یک وظیفه است نه کمال، بلکه علم و معرفت و خلوص کمال است. اینکه گفته شده زن کارهای اجرایی

را بر عهده نگیرد، چون با رقت و عاطفه او هماهنگ نیست و اینها هم که کمال به شمار نمی‌آیند، بلکه وظیفه است. این چنین نیست که در دین کمالی باشد که زن‌ها نتوانند به آن کمال برسند. کارهای اجرایی که وظیفه است نه کمال! پس در آنچه کمال است، و زن و مرد در آن یکسانند؛ نه مذکر بودن شرط است و مؤنث بودن مانع. اما در آنچه مذکر بودن شرط یا مؤنث بودن مانع است، کارهای اجرایی اجتماعی و سیاسی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص ۳۶۸)

از لحاظ اقتصادی نیز طبق آموزه‌های قرآنی، زنان همانند مردان، استقلال اقتصادی داشته، مالک دست رنج خود بوده و در امور اقتصادی همچون سهم ارث بردن از دیگران، شریک هستند. خداوند می‌فرماید: «لَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا لَهُمْ وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا لَهُمْ وَ سَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ ... وَ لِكُلِّ جَعَلْنَا مَوَالِي مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَ الْأَقْرَبُونَ وَ الَّذِينَ عَقَدْتُمْ أَيْمَانَكُمْ فَآتُوهُمْ نَصِيبَهُمْ...» (نساء، ۳۲-۳۳) وقتی آیات ارث و جهاد نازل شد، بعضی از زن‌ها نزد رسول اکرم (ص) رفته و عرض داشتند که مردها فضیلتی در ارث و جهاد بر ما پیدا کرده‌اند. ای کاش ما هم مرد بودیم و در جبهه‌ها شرکت می‌کردیم و از فضایل جهاد بهره می‌بردیم و همچنین از نظر میراث. در قبال این درخواست، آیه مزبور نازل شد: «لَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ...» (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۸۴- طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۷۳- مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۶۲) اسلام در هیچ شرایطی زن را موظف به تامین نیازهای خود و خانواده قرار نداده است. بلکه مرد مسئول تامین نفقه و نیازهای زندگی مشترک است. آیت الله جوادی آملی نیز در مورد حقوق اقتصادی زنان، در ذیل این آیه می‌فرمایند: زن همانند مرد، هر چه که کسب کند برای اوست. زنان همانند مردان، در مسائل اقتصادی و مالی، مستقلند همان‌گونه که در مسائل مادی و علمی مستقل‌اند، همان‌گونه که در تزکیه مستقل‌اند. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص ۴۱۰) ایشان حق اقتصادی و مالکیت برای، و اداره اموال و ممتلكات زنان را، همانند مردان معتبر می‌دانند. همچنین ایشان در زمینه تقسیم ارث، بیان می‌دارند: مسئله محرومیت زن از ارث یک امر پذیرفته شده در جاهلیت بود، لذا اسلام هم در بخش استقلال اقتصادی و هم در بخش ارث بردن زن آیه مستقل دارد. آیه نمی‌فرماید مسلمان یا مومن هر چه کسب کرد برای اوست، بلکه اسم زن را مستقلاً و اسم مرد را جداگانه بیان می‌دارد تا به صورت روشن و قاطع، آن سنت جاهلی را ابطال کند. اسلام براساس کرامت انسانی، ارث را تقسیم می‌کند، اما در جاهلیت، براساس کرامت و ارزش‌های انسانی تکیه نمی‌شد بلکه براساس ارزش‌های نظامی، اقتصادی و... تکیه می‌شد. زن‌ها آن مالی که دارند مال خودشان است. مهریه و نفقه را از مردها می‌گیرند و همه مصارفشان نیز به عهده مرد است. پس مردها اختیار دو سوم را دارند، اما از نظر مصرف، هر دوی آنها در آن دو سوم سهیم‌اند و زن‌ها آن یک سومی که فراهم کردند ذخیره خودشان است. زیرا نه تنها مرد، هزینه خود را باید تأمین کند، بلکه هزینه زن را هم باید تأمین کند. (همان، ج ۱۸، ص ۴۴۱) همچنین با توجه به آیه «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ فَإِنَّ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ...» (نساء، ۱۱) در مورد ارث بردن زن و مرد، روایتی از امام صادق (ع) است که ابن ابی العوجاء می‌گوید از حضرت سوال کردم: چرا زن بینوا و ناتوان یک سهم ارث برده و مرد دو سهم؟ حضرت فرمودند: بر زن جهاد، نفقه، دیه، عاقله، واجب نیست؛ بلکه این امور به عهده مردان

است. از این رو مردان دو سهم و زنان یک سهم دارند. (حراعملی، ۱۳۶۹، ج ۱۷، ص ۴۳۶) خداوند برای پیشرفت زن در جامعه اقدام به توسعه اسباب تملک برای زنان (مانند ارث، ایقاع و...) می‌نماید. در این آیه سهم زن، اصل و مفروغ عنه است نه سهم مرد. آنگاه در مورد مردان بیان می‌دارد که مرد یا مثل او می‌برد یا دو برابر او، و... بطور کلی سهام گوناگون مرد را در ارزیابی با سهم زن می‌سنجند که این برای طرد همان رسوبات جاهلی است، چون در جاهلیت، زن را از ارث محروم می‌کردند. قرآن فرمود اگر خواستید مال را تقسیم کنید به پسر دو برابر سهم دختر بدهید. یعنی دختر، ارث می‌برد سهمش مشخص و دو برابر مرد است و این سهم مرد است که نامشخص است و باید براساس سهم زن مشخص گردد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۷، ص ۴۵۶؛ مطهری، ۱۳۷۴، ص ۲۸۳؛ سیدقطب، ۱۴۱۵، ج ۴ ص ۱۱۲-۱۱۳)

نتایج و یافته‌های پژوهش

در بررسی اسنادی بین‌المللی هم چون "کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، و سند ۲۰۳۰" یافته‌های پژوهش حاضر بر اساس تفسیر تسنیم عبارتند از:

۱. تاکید بر تشابه جنسیتی، خلاف طبیعت و تکوین است و تن دادن به قوانین غیر واقع بینانه این سازمان‌های بین‌المللی در مورد حقوق زنان سبب شده است که زن هویت تکوینی زنانه و مادرانه خود را از دست داده، و به مردی تشبه یافته است. در مقابل، قرآن برای زن، همانند مرد در دو ساحت ارتباطی خانوادگی و اجتماعی، حقوقی مساوی را تعیین کرده، اما این سخن به معنای تشابه در حقوق نیست.

۲. معاهدات بین‌المللی، تنها بر یک بُعد از وجود زن، آن هم بُعد تساوی و تشابه امور جنسیتی و شغلی تاکید دارند. در حالی که قرآن بر اساس تعالیم الهی و اسلامی خود، نگاهی جامع به زنان دارد. از این رو، برای زن متناسب با شخصیت تکوینی او حقوق و مسئولیت‌هایی در نظر گرفته است.

۳. معاهدات بین‌المللی با شعار برابری جنسیتی، تعهدات و نقش‌های مادری و همسری را تحت تاثیر قرار داده‌اند و جایگاه او را تا یک شریک جنسی صرف تنزل داده، و طلاق را از یک پدیده مذموم، به عنوان یک راهکار انسانی بیان کرده‌اند. حال آنکه قرآن مسئولیت مهم زنان را تربیت نسل بشریت می‌داند.

۴. اسناد بین‌المللی در دفاع از حقوق زنان، حقوق زن و مرد را براساس تساوی مطلق، معین کرده که بی‌احترامی و ظلم مضاعف به زن و حتی به مرد است و موجب اضمحلال خانواده و جامعه خواهد بود. اما قرآن زن را در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی، به عنوان یک عامل فعال و سازنده دانسته ولی به تناسب شئون و شرایط، حقوقی را برای او تعیین می‌کند.

۵. حجاب، عفاف و پوشش، در اسناد بین‌المللی جایگاهی نداشته و مخالف برابری جنسیتی و مانع آزادی فردی و اجتماعی زنان و ارضای آزاد تمایلات و جلوه فروشی زنان، تلقی شده است حال آنکه قرآن طرح حجاب و پوشش برای زنان را، به منظور حضور اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... در چارچوبی ضابطه‌مند، لازم شمرده است.

۶. اسناد بین‌المللی، زنان را در سطح یک شریک جنسی و اقتصادی تنزل داده‌اند. اما قرآن حقوق اقتصادی زن را پذیرفته و برای او مالکیت مطلق نسبت به اموالش، قائل است و اشتغال را برای زنان یک عمل اختیاری می‌داند و قوانین اقتصادی را چون ارث، مهریه، نفقه و ... ، در راستای حفظ کرامت و حرمت زن وضع کرده است.

منابع

- قرآن کریم: ترجمه ناصر، مکارم شیرازی، تهران، مدرسه علی بن ابیطالب(ع)، ۱۳۸۹ش
- نهج البلاغه: ترجمه محمد دشتی، قم، موسسه فرهنگی تبلیغاتی امیرالمومنین(ع)، ۱۳۷۹ش
- (۱) ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارالطباعه و النشر، ۱۳۸۵ق
- (۲) تورات، عهد قدیم، تهران، نشر انجمن کلیمیان، ۱۳۸۱ش
- (۳) جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم، اسراء، ۱۳۹۳ش
- (۴) جوهری، اسمعیل بن حماد، الصحاح، تهران، امیری، ۱۳۶۸ش
- (۵) الجزیری، عبدالرحمن، الفقه علی المذاهب الاربعه، بیروت، دارالتقلین، ۱۴۱۹ق
- (۶) جمعی از نویسندگان، موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البیت(ع)، قم، موسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی، بی تا.
- (۷) حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۶۹ش
- (۸) حسینی، سید هادی، کتاب زن، علی احمد راسخ، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۷ش
- (۹) الرازی؛ فخر الدین، التفسیر الکبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۲۰۰۱م
- (۱۰) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی الفاظ القرآن، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۴ش
- (۱۱) الزمخشری، جار الله محمود بن عمر، الکشاف، بی جا، نشر أدب الحوزة، ۱۹۹۸م
- (۱۲) سید قطب، ابراهیم، فی ظلال القرآن، بیروت، دارالجليل، ۱۴۱۵ق
- (۱۳) صفایی، حسین، حقوق مدنی؛ أشخاص و محجورین، تهران، سمت، ۱۳۸۶ش
- (۱۴) الطباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه المدرسین، ۱۳۹۲ش
- (۱۵) طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، الاعلمی، ۱۴۱۵ق
- (۱۶) طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، نجف، حیدریه، ۱۴۰۹ق
- (۱۷) ، کتاب الخلاف، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۲ق
- (۱۸) طیب، عبدالحسین، اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، قم، موسسه جهانی سبئین، ۱۴۳۱ق
- (۱۹) فاروقی، لمیعه، المرأة فی المجتمع القرآنی، تهران، الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ق
- (۲۰) فیض، علیرضا، مبادئ فقه و اصول، تهران، انتشارات دانشگاه، ۱۳۷۱ش
- (۲۱) فیومی، محمد بن علی، مصباح المنیر، قم، دار الهجرة، ۱۴۰۵ق
- (۲۲) کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی علم مدنی، تهران، میزان، ۱۳۸۷ش
- (۲۳) کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، فرخی، ۱۳۶۱ش
- (۲۴) لسنکی، گرهارد، و جین لسنکی، سیر جوامع بشری، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹ش
- (۲۵) مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، صدرا، چاپ نوزدهم، ۱۳۷۴ش
- (۲۶) مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش
- (۲۷) مغنیه، محمدجواد، فقه تطبیقی، بی جا، دانشمند، ۱۳۶۶ش

سایت:

(۱) بنیاد بین المللی علوم و حیاتی اسراء www.esra.ir

- ۲) پایگاه اطلاع رسانی حوزه www.hawzah.net
- ۳) سایت اینترنتی مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد www.unic-ir.org